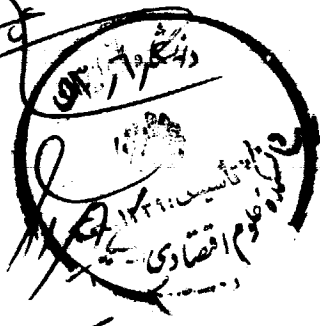


درم بنویر کرور

داندگسناه ملیسی ایران

دانشکده علوم اقتصاد و سیاسی

موضوع:



سیاست پولی مالی در اقتصاد:

ترجمه از کتاب:

money, National Income

AND

Stabilization Policy

توسعه:

Warren Smith AND Ronald Teigein

بیراهنالی:

اقتصاد مختصر

جناب آقای دکتر باغچه‌آبادی

مترجم:

فریسنده امینزاده

رشته اقتصاد

سال تحصیلی ۱۳۵۲



۳۱	
۴	بکاربرد سیاست پولی و مالی برای ثبات داخلی و خارجی
۱۰۴	الف: تعریف تعادل ب: دو سیستمی که عکس العمل های متفاوتی در مقابل سیاست های مختلف از خودشان نشان می دهند
۱۳-۱۲	ت: تعادل
۱۴	د: مسائل مهم در سیاست های پولی و مالی
۱۹-۱۸	الف: مسائل بین المللی ب: سیاست های ارزی تعادل و موازنه بین المللی
۲۵-۲۰	ت: مسائل داخلی در سیاست پولی و مالی
۲۲-۲۰	ت: نکات خاص در سیاست پولی و مالی
۲۶-۲۲	ج: خودمندی نسبی
۳۵-۳۶	د: نرخ کار و درآمد روز
	آیا ابزارهای سیاستی کافی وجود دارند؟
۵۸-۴۵	الف: مقدمه
۶۱-۵۹	ب: استفاده قابل اعتماد از معیارهای پولی و مالی
۶۷-۶۵	ت: هندگردهایی به استخراج اساسی سیستم
۷۹-۷۸	ث: حواشی استنتاجی

سیاست پولسی و مالی در اقتصاد بسیار

مجموعه های مورد بحث این بخش از فصل ۷ شامل مسائل و دغدغه های پولی و مالی در یک اقتصاد باز است. هدف این فرقی است که موارد احتمالی انتخاب خارج هر یک را در اولویت های مانند ایجاد اشتغال در صنایع داخلی، ثبات قیمت ها برسد و همچنین نگاه داری و پارسی به تعادل در قرار بر احتیاط مورد بحث قرار می دهد.

در اولین مطالعه توسط "رابرت ماندل" اثرات گوناگونی که سیاست پولی نسبت به سیاست مالی بر روی اشتغال داخلی و ترازی پرداخت دارد مورد بحث قرار می گیرد. موضوع اصلی این مطالعه در زمین سادگی مهم است:

می توانیم برای رسیدن به اشتغال کامل ترکیب های بسیار گوناگونی از سیاست های مالی و پولی بخت آوریم. یکی از این آمیزش ها که ما را به اشتغال کامل می رساند، هدفین صورت است که:

از سیاست مالی باز سیاست پولی محدود استفاده کنیم. یعنی دولت خرج بهنجاری کند و نرخ مالیات نیز کاهش دهد. که در اثر محدود بودن پول نرخ بهره بالا می رود و موضوع مثبت تری در ترازی پرداختها سطح می گردد. وضع مخالف این مخلوط شدن مستلزم اینست که یک سیاست پولی باز و یک سیاست مالی محدود را انتخاب کنیم.

هدفین صورت اعتدال می گردد؛ که موازنه تجاری حساب کالا ها و خدمات و نقد صه ای برای تعین سطح درآمد خواهد بود و در هر حالت یکسان می باشد. در خلال اینکه نرخ بهره سنگین (بالا) جنب جانب سرمایه خارجی میشود و ترازی حساب سرمایه بیرون وضع ضابطه سوق می نماید.

بسیاری از مذاکرات جدید که برای شناختن حد موثر سیاست پولی و مالی در دست
کشور انجام میگردد، با مسئله فزاینده اعتبارات مواجه می شود و اساس یک لایحه کلی است.
"هری جانسون" در مقاله ارزشی راجع به سیاست های پولی و مالی مورد بحث
در این کتاب اندیشه بررسی مجدد نموده است .

بهر حال در حالی که بنا ساخته به مسئله فزاینده اعتبارات اهمیت داده و همچنین
راههای حصول به اشتغال و ثبات قیمت ها مورد رانیز مد نظر قرار داده است.
دانشجویان باید توجه نمایند این تجدید نظر با ارزش و یکبارچه نمودن موضوع بسیار
ارقام مطلب این کتاب راحت تاثیر خوبی بر قرار داده است.

در مقاله نهائی "وین اسمیت" مباحثه بحث درباره بعضی از مسائل اساسی
سیاست پولی و مالی می کند که قالب کنونی پول در تئوری تشکیل داده است و در حقیقت
در حقیقت است که اصلاحات اساسی را ممکن می سازد .

نظراً این مطالعه باید دانشجو در یافتن جوابی که او را به بحث می اندازد کما کند که
چرا در تحت یک سیستم پولی بین المللی با نرخهای مبادله ثابت و اتفاقاً با مسائل تکرار
بود اعتبارات مواجه می شویم. در صورتیکه در داخل یک کشور بعنوان مثال آمریکا نرخهای
مبادله بین نواحی بطور دائمی ثابت هستند (یعنی همان پولیست که در سایر کشورهای
استفاده قرار می گیرد و بنابراین نرخهای مبادله هم مساوی و یکسان هستند) اما اگر چنین
باشد تا در مورد فزاینده اعتبارات نواحی ای دچار درد سر می شویم پس چرا با از بین
بیشتری کردن این مشکلات و موانع آنها را از بین نمی بریم ؟

(توسط رابرت تاندل) بکاربرد سیاست‌های پولی و مالی برای ثبات داخلی و خارجی

این مقاله مسئله رسیدن به ثبات داخلی و تعادل در فرایند اختیارات در کشوری که

تضمین ارز و اتصال فلز در کنترل تجارت را برخلاف معالجتی می‌بیند مورد رسیدگی

قرار می‌دهد.

پذیرفته شده که اگر جریان سرمایه‌های نامستقیم نوع‌های بهره‌مختلف‌حاصل‌یافته‌اند

و تحت تاثیر آنها قرار گیرند، سیاست‌های پولی و مالی می‌توانند به‌منوان ادوات مستقلی که

طرازد و هدفی که یکی ثبات داخلی و دیگری تعادل در فرایند اختیارات است برحالتد و اصلا

مسئله بهتری که نتیجه می‌شود اینست که چطور سیاست‌ها را باید تطبیق نامی.

معموماً پذیرفته شده که سیاست پولی می‌بایست هدفهای خارجی را در نظر قرار

دهد و سیاست مالی برای هدفهای داخلی بکار برده شود، هرگاه کشور در پیروی از این

مسئله شود ضرر به عدم تعادلی بدتر از سابق می‌گردد و یعنی بدتر از زمانی که سیاست‌های

مصرفی بکار برده می‌شود.

مفهوم اصلی این نظریه این است که وقتی سیاست‌های ثبات‌دهنده محدود به سیاست

پولی و مالی هستند کشوری که در جواز برود اختیارات خود مازاد دارد بایستی سیاست پولی

انحصاری بکار برد و درین حال طالبات‌ها را زیاده‌کار کند (یا اینکه معضلت دولت را کم کند) و کشوری که

در معاملات خارجی خود با کمبود مواجه است و یا بکاروری در آن کشور وجود دارد بایستی نوع بهره

را زیاده‌کار کرده و طالبات‌ها را کم‌باید و یا (مغایرت دولت را زیاده‌کار کند).

شیرا سیاست تعادل:

ترازد داخلی مستلزم اینست که در زمان اشتغال کامل تقاضای برای تولید اسباب داخلی

برابر با مجموع عرضه تولیدات داخلی باشد.

اگر شرط بالا در نظر گرفته شود و تولید در اشتغال کامل باشد، بر حسب اینکسپنس

تماماً افزایش و یا کاهش باید به ترتیب از چهار فشارتوری و بارکود نهایی خواهیم شد.

این فرض را می‌کنیم که در دوره‌های زندگی در عدم تعادل، بازارها با در حال

حالی شدن هستند و یا می‌باشند شدن بیش از حد نخواهد بود. بسته باینکه عدم تعادل مربوط

به حالت توری باشد و یا بستگی به رکود داشته باشد.

مشهور از موازنه برداختهای خارجی اینست که موازنه بازرگانی، با خروج سرمایه (خالص)

مانع برابری ارزی مساوی باشند.

اگر موازنه بازرگانی از خروج سرمایه بیشتر باشد در این صورت، با بازار موازنه برداختها

مواجه خواهیم بود و نرخ ارز تعادل به بالا رفتن دارد که بانک مرکزی به وسیله جمع آوری

ذخایر ارزی از بالا رفتن آن جلوگیری می‌نماید. و اگر موازنه بازرگانی از خروج سرمایه کمتر

شود در این صورت، با کسری موازنه برداختها روبرو می‌شویم و نرخ ارز تعادل به کاهش یافته

دارد که بانک مرکزی به وسیله توزیع ذخایر ارزی از کاهش یافتن آن جلوگیری می‌نماید.

در در نهاله مورد قبول قرار گرفته، که همه سیاستهای خارجی و تقاضای صادرات و وضع تراز

بازرگانی را بدتر می‌کند. چنانکه سطح معارج تولید افزایش می‌یابد و جریان سرمایه هائیکس

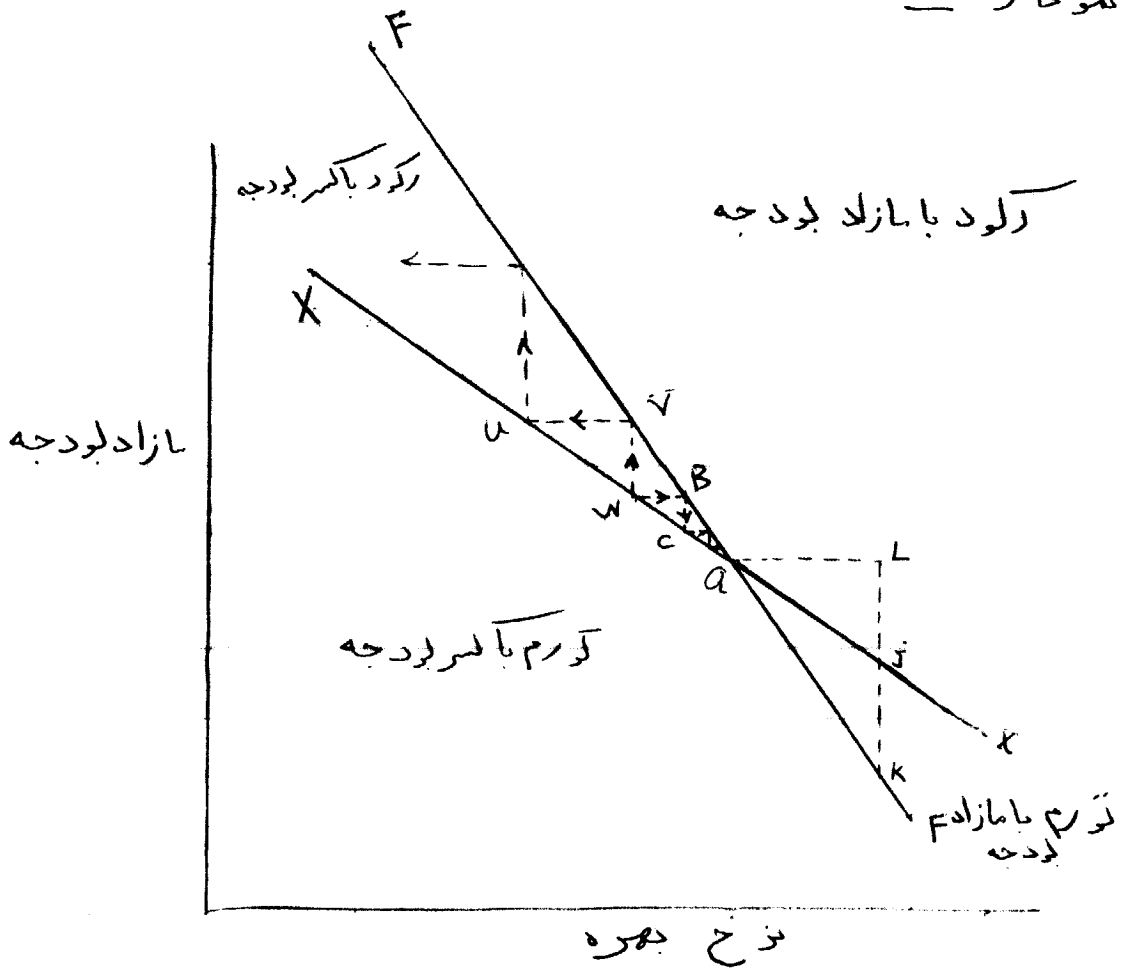
تحت تاثیر نرخ بهره های مختلف قرار می‌گیرد.

سهی فر شده که هزینه تولیدات داخلی فقط مربوط به سیاست مالی (بازار بودجه)

است و سیاست مالی (نرخ بهره) برای رسانیدن سطح بازده به اشتغال کامل بکاربرد می‌شود.

یک سیستم تکمیل شده می‌تواند دو سیاست صورت یک طرح هندسی در آورد که مقصودهای

آن نرخ بهره و بازار بودجه می‌باشد. نمودار (۱)



در این نمودار خط FF بعنوان منحنی موازنه ارزی تلقی می شود و موقعیت عوامل (نرخ بهره و ماژاد بودجه) را در مسیری که تراز بودجه را در تعادل قرار می دهد دنبال می کند (در سطحی از درآمد که سازگار با اشتغال کامل است)

این منحنی دارای شیب منفی است و چون هرگونه افزایش در نرخ بهره سبب می شود که خروج سرمایه کاهش یابد و معارف داخلی و سایر این واردات با این آمد که این امر منجر به بهبود وضع موازنه بودجه خواهد شد، زمانی که ماژاد بودجه افزایش یابد بحالت تعادلی هزینه تولید و واردات توسعه تراز بودجه را کاهش می دهد. بنابراین هر نقطه روی منحنی نشان دهنده نرخ بهره و رانشان می دهد که بوجود آورنده ماژاد بودجه است خارجی است و برای جبران آن به بودجه ماژاد بودجه را کاهش می دهد تا مجدداً تعادل برقرار شود.

نقاط بالا و طرف راست خط نشان دهنده ترانزداختها بازار و نقاط پایین و چپ ضلعی نماینده ترانزداختهایی با کسریود چه است .

با اینترسیممستقابه می توان صلا" حالتیهای ترانزداختی را نشان داد خط XX

با ضلعی ترانزداختی نشان دهنده مؤلفیت روابط تره بمره و بازار بود چه است که با امکان می دهد هدفمان را که رسیدن به تعادل در حالت اشتغال کامل در بازار کالاها و خدمات است دنبال کنیم .

در اول این ضلعی تولید در اشتغال کامل با مجموع تقاضا برای تولید برابر هست با آنچه می (آن مقدار بر همان شرایط) که بازار به همان شرایط می رساند اینست که تقاضای داخلی برای کالاهای صنایع داخلی با تولید در اشتغال کامل ضمای صادرات برابر شود .

بنابراین تنها یک سطح از تقاضای ملی برای تولیدات داخلی وجود دارد که پیوسته

با اشتغال کامل همراه است و نشان دهنده سطح صادرات می باشد و دلالت بر هزینه ای دارد که در طول خط لا یطور ثابت باید وجود باشد .

خط ترانز داخلی بنا بر این دارای یک شیب منفی است و نظر باینکه افزایش - نرخ بهره

با کاهش در بازار بود چه ارتباط دارد و معارف صنایع داخلی را ثابت نگاه میدارد .

بنابراین ضلعی های ترانزهای داخلی و خارجی دارای شیب منفی هستند اما مستقابه

همچنین لازم است که در این شیب ها طایفه شوند .

حال که امید از این ضلعی ها شیبمان تعد تراست ؟

ثابت شده که شیب خط FF از خط XX تعد تر خواهد شد ، اگر

سرمایه حتی بطور جزئی متحرك باشد، واز يك حد یا میزان استكه جریان بین الطلی سرمایه به نرخ بهره و میل نهایی به واردات عكس العمل نشان میدهد .

شیب مطلق منحنی تعادل داخلی که بصورت خط XX نشان داده شده عبارتست از نسبت بین تغییراتی که با مخارج تولیدات داخلی درقبال نرخ بهره دارند نسبت به عكس العمل خرجهای تولیدات داخلی بهمازاد بودجه .

حال اگر برای يك لحظه فرض کنیم سرمایه ای که خارج می شود ثابت باشد ، ما دامیکه صادرات را ثابت فرض کردیم ، و واردات بستگی تام با مخارج داشته باشد تراز برد اختیافقط با مصارف یا خرجمان ارتباط خواهد داشت .

بعبارت دیگر اگر خروج سرمایه ثابت باشد شیب خط FF عبارتست از:

عكس العمل مصارف یا خرجهای تولیدات داخلی درقبال نرخ بهره تقسیم بر عكس العمل یا پاسخی که مصارف تولیدات داخلی بهمازاد بودجه دارند .

پس میفهمیم عكس العملی که خروج سرمایه به نرخ بهره نشان میدهد ، ارزش مطلق شیب خط FF را بزرگتر از شیب XX می کند .

بعنوان مثال حالتی را بررسی می کنیم که در تعادل کلی هستیم یعنی (در حالت اولیه Q_1) حال اگر این موقعیت یا حالت ، به وسیله افزایش یافتن نرخ بهره باندازه Q_2 ، بهم بخورد چه اتفاقی می افتد .

در نرخهای بهره بالاتر يك فشار ضد تورمی بوجود می آید و در نقطه A مائسرا ز برد اختیافی بامازاد خواهیم داشت اگر مازاد بودجه با این فشار ضد تورمی در نقطه مثل J (که روی منحنی تراز داخلی قرار گرفته) برطرف می شود .

اما هزینه در نقطه Z همان هزینه نقطه Q می باشد، و بدین معنا که واردات و صادرات

تراز بازرگانی باید همان که در نقطه Q بودند باشند.

بنابراین قرار بود اختیارات نقطه Z دارای بازار استیرواکه نرخ بهره بالا سبب جلب

سرمایه به داخل کشور گشته و باعث کاهش بیشتر در بازار بودجه می گردد که این امر تراز بود اختیارات

را دوباره به تعادل می رساند. سپس نقطه K که روی منحنی قرار خارجی است و در زیر

نقطه Z (روی منحنی تراز داخلی) قرار گرفته دنبال می شود. و در این نقطه خط FF

شهرت تراز XX می باشد.

نتیجه گرفته اند که تفاوت مطلق شیب ها در این نقطه بزرگتر است و همچنین حمایت

نیز تحریک بیشتری را در (زراد نقطه Z بازار خارجی بیشتر بزرگتر است) و میل نهایی

به واردات کاهش می یابد. (زیرا این مستلزم بزرگتر بودجه بیشتری است که بازار خارجی

(بازار موازنه بود اختیارات) را تصحیح کند.

در دیاگرام ۱ دو منحنی به چهار ربع تقسیم می شوند، که این چهار ربع از یکدیگر

بمقتل شرایط (خصوصیات) عدم تعادل داخلی و عدم تعادل خارجی مشخص و متمایزند.

نقطه در نقطه Q که محل تلاقی دو منحنی است، نرخ بهره موازنه بودجه در تعادل

باموازنه قرار می گیرند.

دو سیستمی که کسب الخصل های متفاوتی در مطالب سیاست های مختلف از خود نشان

نشان می دهند :

ماد و روش سیاست انکالت تدبیر راه و نظری گهریم که روند سیاست مالی

وساست پولی را در مورد بکه تراز داخلی و خارجی بر آن واحد بدست آورد نموده اند همچنین

با مشخص کند.

دولت می تواند از سیاست پولی برای تعدیل کردن فعالیت داخلی و از سیاست مالی برای تعدیل نمودن احتیاجات خارجی استفاده کند. با سیاست دیگر سیاست مالی را از نظر رسیدن به ثبات داخلی مورد استفاده قرار دهد و سیاست پولی را برای تراز خارجی بکاربرد.

تأیید شده ندانی که نوع بهره را برای رسیدن به ثبات داخلی و سیاست مالی را برای به تعادل رسانیدن تراز خارجی بکاربرد یک سیستم بی ثبات است. برای مثال حالتی را که اشتغال کامل همراه با تراز بود اختیاری با کشور بود چه است مورد بررسی قرار می دهیم.

نقطه W نشان دهنده این حالت است که کشور چه با استفاده از سیاست مالی تمهید می گردد. مازاد بود چه افزایش باید و مازاد نقطه W پایینی نقطه V برسم. یعنی مازاد بودی که موزان نه W شخص شده آنقدر افزایش می باید تا به مازاد برسد. داده در V برسم، در نقطه V تراز بود اختیاری تعادل است. اما افزایش مازاد بود چه سبب یک رکود توأم با فشار خواهد شد. (رکود و کم سطح اشتغال را با این می آورد.) حال اگر بیکاری مازاد ایجاد کند برای جلوگیری از آن سیاست پولی را بکار می بریم و نرخ بهره از آن حدی که در نقطه V شخص شد می باید پایین آید تا به حد تعادل رسیده در نقطه U برسد.

لیکن در نقطه U دوباره با تراز بود اختیاری مواجه می شویم که دارای کشور بود چه هست. که این بنوع خود مستلزم یک افزایش بیشتر در مازاد بود چه می باشد.

این جریان ادامه می یابد و با حرکتش به مازاد بود چه ما هر چه بیشتر از تعادل دور می شویم

معلوم گشته که این نوع سیستم ناپایدار است . گاهی است که در نظر یک موم توان برود اختیاری

در نقطه U یا کمبود بواجفاست بعد از بر اول گسه سیاست صورت شود . گس بود چسبه

در نقطه W افزایش آید .

بدین استکمداد امیکه توازنه تجاری را در نقاط U و W یکسان بدانیم ، بواسطه

نوع بهره‌ماین قوترا برود اختیاری در نقطه U و بخش بد قریب شود . نتیجه گرفته اند که

نوع سیاست ذکر العمل ناپایدار است .

از طرف دیگر نوع مخالف این سیاست را پیشتر می‌سازند . تصور می‌شود که مقامات دولتی

نوع بهره‌ماین با احتیاج استرا برود اختیاری در حالت تعادل تعدیل می‌کنند و با اختصاره

بجای سیاست مالی نیز شیات را حفظ می‌کنند .

پس از همان نقطه W که حالت تعادل است نرخ بهره نقطه B افزایش می‌یابد و بواسطه

آن کمبود توازن خارجی تصحیح می‌گردد .

اما به نسبت سیاستهای محدود نباید به همکاری بوجود آمده که عملا باید بواسطه

کاهش در بازار بود چه با افزایش در کمبود چسبه صحیح گردد .

در نقطه C بازار در داخل و با توازن برود اختیاری یا کمبود چه مثل نقطه W وجود

دارد . اما در نقطه C کمبود چسبه توازن برود چه در نقطه W می‌باشد .

در نگاه توجه می‌شود که موازنه تجاری در نقطه C و W یکسان هستند ولی که ما را امیکه

نوع بهره در نقطه C بالاتر است و توازن برود اختیاری کمبود چسبه باید داشته باشند .

بنابراین به سیاستها ناپایدار است .

با اقدام کردن بحث هائی که در باره این نمودار کرده ایم، به این نکته می‌رسیم که در نقطه W و یا هر جاد رفاهی که نشان دهنده کسری بودجه و رکود است، نرخ بهره با افزایش خواهد بود و مازاد بودجه بالاتر است پس این به بلوغ تعادل کلی در نقطه A اختتام خواهد کرد. بکاربرد سیاستی برای ایجاد تعادل در موازنه خارجی و اصطلاحاً از سیاست پولسی برای ایجاد توازن در موازنه تراز داخلی (التعداد داخلی) باعث افزایش هر چه بیشتر نرخ بهره و عدم تعادل بودجه و در نتیجه از بوقصیت تعادل خواهد شد. در اینحال راه حلها با سیاست های دیگر و سایر ابزارهای تعادل نزدیک می‌سازد. همین استدلال در مورد یک عدم تعادل اولیه که در ربح مخالف قرار دارد بکار برده می‌شود. که این ربح مخالف نشان دهنده یک حالت فشار تورمی و مازاد بودجه‌های خارجی است.

برای برقراری مجدد تعادل، نرخ بهره باید کاهش یابد و جایگزینی مالی باید محدود است بیشتر ایجاد کند. قضاوتی که سیاست پولی برای هدفهای خارجی و سیاستی برای هدفهای تراز داخلی بکار بریم عدم تعادل خود بخود تصحیح می‌گردد. در دور ربح دیگر سیاست پولی و مالی تحت هر کدام از عمل سیاستها که باشند بیک جهت حرکت می‌کنند. زیرا که سیاست پولی (پول و از جریان خارج کنیم) و افزایش در مازاد بودجه، فشار تورمی و کسری بودجه را از خارجی را تصحیح می‌کند. سیاست پولی باز (پول در جامعه افزایش یابد) و کاهش در مازاد بودجه و رکود و مازاد بودجه‌های خارجی را کاهش میدهد.

تفاوت بین سیاست این دو سیستم در مراحل نوسانات تجارت بین المللی اهمیت کمیتری

دارد. با وجود این مالی می تواند و نیز اخلاقیات نادرست درباره موقعیت و قیمت
نقطه A می تواند موقعیت را در هر یک از رصها بوجود آورد که هم شامل رکود و هم
کسری باشد و هم شامل تورم و بازار.

نتیجه

ناتجید در کشورهایی که اشتغال کامل حکم فرماست و سطحهای قرار برد اختیارات
محصور به آلات و ادوات سیاست پولی و مالی هست. سیاست پولی باید برای رسیدن به
تمامی توازن بوداختیار نظر گرفته شود و سیاست مالی برای حفظ ثبات داخلی در تحت شرایطی
که در اینجا مورد قبول قرار گرفته بکاربرد می گردد.

هرگاه روزی بکاربرد مواجها بکارگیری مشاهده شود خواهیم گفت و موضع توازن بود اختیارات
نیز بدتر می گردد.

توجهی می توان راجع به آنچه که در جای دیگر بنام "اصل تفکیک موثر بازارها" نامیده
شده داد. سیاستها برای اینکه موثرتر باشند باستی باید آنها تطبیق شوند و این مسئله نهایت
اهمیت را داراست. اگر از این اصل با قاعده پیروی نکنیم گرایش برای ایجاد نوسانی کم
رابطه تعادل باین نحی می تواند برساند کمتر می باید. بکاربرد سیاست مالی برای هدفهای خارجی
و سیاست پولی برای شاخص داخلی با اصل تفکیک موثر بازارها مغایرت دارد. زیرا که کمترین
تاثیر نه بهره برای شاخص داخلی به اثری که در توازن بود اختیارات میگردد کمتر از نسبت اثر سیاست
مالی پیروی می تواند داخلی و به تاثیر بر توازن بود اختیارات.

در چنین نتیجه گیری به شرح ذیل مجموعه پاسخ ها با ذکر العمل های سیاست میباشد

اصول سازگار است. در یک سطح کلی تر، اصلی وجود دارد که تین برگن موجب شهرت آن گفته بدین معنا که:

برای رسیدن به یک سلسله هدفهای مستقل داده شده و حداقل باید تعداد از متغیروا مواظ وجود داشته باشد.

اصل تین برگن مربوط به راه حل وجودی و اولمیت این سیستم استولی جنبه —————
 اظهار می کند که هر دو سطح پاسخ ها با یکدیگر عمل های سیاست طرح باین نتیجه می گردد .
 برای نشان دادن این موضوع ، لازم است که خصوصیات ثابت در یک سیستم بویا را مورد مطالعه قرار داد .

بدین منظور بکار بردن " اصل تکجه " موثر بازارها " همرا با اصل تین برگن ضروری است.

(توسط هاری - جی - جانسون) مسائل مهم در سیاستهای پولی و مالی

با در نظر گرفتن جنبه های بین المللی بحورت تمین شده بحث درباره مسائل مهم

در سیاست های پولی و مالی ایالات متحد ، را ظاهر " می توان محدود به جنبه های داخلی موضوع نمود .

میبدا بشمار میرسد که چنین محدودیتی بطور فوقانی تعطلی و جنبه انحصارگرانه

داشته باشد . بطور من در حال حاضر مسئله اساسی در سیاست پولی و مالی ایالات متحده -

ساختن و ترمیم استکه سیستم پولی بین المللی باید بخود بگیرد .

بعلاوه موفقیت ، یا شکست ، در گرفتن تصمیمات در زمین زمین ، که در نتیجه مشاوره های

مندوب بین المللی پول و گروه د نفری ناشی گردیده ، موجب پدیدایش جنبه های برای مشکلات

آتی ، سیاستهای مالی و پولی ایالات متحده گفته است .